

میلونید!

خیلی ها "خدا" داشتن، ولی انقدر اونهایی که "خدا" نداشتن یا کلا دیگران بلند بلند، تند تند، زیاد زیاد گفتن که برید دنبال خدا و خدا رو پیدا کنید...

که همینها که خدا داشتن هم راه افتادن دنبال خدا پیدا کردن که خدایی که داشتن رو هم گم کردن...

خیلی ها "آرامش" داشتن، ولی انقدر هیاهو راه انداختن عده ای که کو "آرامش"! که اینها هم دارن، میدون و میگردن دنبال آرامش! و دویدن همانا و گم کردن آرامش هم همانا...

خواستم بگم خیلی از چیزها مثل آرامش، مثل خدا، مثل خوشبختی رو داری واقعا دوست من، انقدر نگرد...

بجاش ورودی های ذهنت رو کم کن، این حجم از اطلاعات که این روزها از گوشت به چشمت و از چشمت به مغزت و از مغزت به روح منتقل میشه، واقعا نیاز نیست و تبدیلت میکنه به یک انسانی که فقط "میگرده" و کم کم میرسه به جایی که "پاهش" رو هم نمیبینه چه برسه به داشته هاش...

هر حرفی، منبری، خبری، تحلیلی، عبادتی، فکری، ذکری، کسی، بزرگی، کوچیکی، متوسطی، توصیه ای، درس اخلاقی، حاج آقایی، حاج خانومی، درد دینی! و...

که "تشاطت" رو میگیره رو ترک کن، اونهایی که نمیتونن بستر رسیدن به "تشاط" رو برات فراهم کنن، توصیه شون گرچه با آیات و روایات باشه، ولی یه شاخصه داره، و اون اینکه طوری برات میگن و توصیه میکنن که بری "بگردی"...

و در نهایت همون که داری هم از دست بدی، طفلکی ها مرض ندارن! بلکه خودشون هنوز پیدا نکردن و دارن میگردن، برا همین تو رو هم "ویلون" میکنن...

از این جُهال که فاصله بگیري، همین زودیا خواهی گفت؛

آنکه عمری در پی او می دویدم کو به کو

ناگهانش یافتم با دل نشسته روبرو...